نگاه

درس‌های جنگ برای تهران

محمد محمدی
جامعه‌شناس‌شهری

«بحران‌ها، بستر آزمون همبستگی و ظرفیت بازسازی ساختارهای اجتماعی‌اند».

امیل دورکیم

این روزها شهرها در کانون تقاطع بحران‌های چندلایه قرار گرفته‌اند؛ از تغییرات اقلیمی و همه‌گیری‌های پیش‌بینی‌ناپذیر تا سایه سنگین تنش‌های ژئوپلیتیک که همگی پیامی واحد برای مدیران شهری دارند؛ الگوهای کلاسیک اداره شهر، دیگر پاسخ‌گوی پیچیدگی‌های جهان معاصر نیستند. حالا دیگر صحبت از «مدیریت بحران» به‌تنهایی کافی نیست؛ ما نیازمند گذار به رویکردی هستیم که شهر را نه در مقام یک ماشین صرفا واکنشی، بلکه همچون موجودیتی پادشکننده در برابر آشوب بازتعریف کند. برخلاف تاب‌آوری که بر حفظ وضع موجود پافشاری دارد، پادشکنندگی، آن‌گونه که نسیم طالب روایت می‌کند، از دل فشارها و تکانه‌ها، مسیر رشد و تکامل را ترسیم می‌کند. در این میان، تهران با پیچیدگی‌های ساختاری جمعیتی، تراکم بی‌محابا و تجربه زیسته بحران‌های طبیعی و منطقه‌ای، بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازخوانی استراتژی‌های زیست‌بوم خود است تا نه‌فقط در برابر شوک‌ها دوام بیاورد، بلکه از مسیر این گذارها، کارآمدتر و منسجم‌تر سر برآورد.

برای دستیابی به پایداری در بحران و جنگ، مدیریت شهری باید سه لایه کلیدی را مد نظر قرار دهد که در پیوند با یکدیگر، ستون‌های اصلی یک شهر تاب‌آور و پادشکننده را تشکیل می‌دهند. این لایه‌ها شامل زیرساخت و فضا، زیرساخت اجتماعی و سرمایه انسانی و حکمرانی و نهادها هستند که هرکدام به نوبه خود، نقشی حیاتی در تاب‌آوری کل سیستم شهری ایفا می‌کنند.

لایه اول، زیرساخت و فضا (لایه فیزیکی)، بر ایجاد سازوکارهای فیزیکی برای تاب‌آوری تمرکز دارد. غیرمتمرکزسازی شریان‌های حیاتی مانند آب، برق، گاز، ارتباطات، و حمل‌ونقل از اهمیت بالایی برخوردار است تا با آسیب‌دیدن یک بخش، سایر قسمت‌ها بتوانند وظایف را پوشش دهند. ایجاد شبکه‌ای از زیرساخت‌های متعدد و پراکنده برای تأمین خدمات ضروری، گامی در این راستا خواهد بود. همچنین انعطاف‌پذیری و سازگاری سازه‌ها و فضاهای شهری، مانند قابلیت تغییر کاربری فضاهای عمومی به مراکز امدادرسانی یا درمانی در شرایط اضطراری، ضروری است.

لایه دوم، زیرساخت اجتماعی و سرمایه انسانی، بر سرمایه انسانی و اجتماعی شهر تمرکز دارد. تقویت زیرساخت اجتماعی که توسط جامعه‌شناسانی چون کلاینبرگ مطرح شده، به معنای ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی، اعتماد متقابل و سازمان‌های مدنی است که در مواقع بحران و جنگ، چون بحران گرما در شیکاگو در سال ۱۹۹۵ یا ورشو بعد از جنگ جهانی دوم، این همیاری اجتماعی به یاری شهروندان می‌شتابد. این شبکه‌ها قادرند اطلاعات حیاتی را منتقل کرده، به افراد آسیب‌پذیر کمک رسانده و حس همبستگی را در جامعه تقویت کنند.

تقویت سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد و حمایت از شبکه‌های اجتماعی محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلب، نقش حیاتی در امدادرسانی، اطلاع‌رسانی و حفظ روحیه عمومی در زمان بحران ایفا می‌کند. تجربه جنگ تحمیلی در ایران، اهمیت انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل را به عنوان عاملی کلیدی در مقاومت شهری نشان داد. مدیریت روایت و اطلاع‌رسانی از طریق سازوکارهای مؤثر برای انتشار اطلاعات درست و مقابله با شایعات و همچنین مشارکت فعال شهروندان در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهری، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با ایمنی، از دیگر مؤلفه‌های این لایه است. این رویکردها که ریشه در علوم اجتماعی دارند، به ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری جمعی کمک کرده و تاب‌آوری جامعه را در مواجهه با بحران‌ها افزایش دهند.

لایه سوم، حکمرانی و نهادها (لایه مدیریتی)، به ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری می‌پردازد. گذار به حکمرانی شبکه‌ای از مدل‌های سنتی و متمرکز، به سمت الگوهای مشارکتی که در آن نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی به‌صورت هماهنگ عمل می‌کنند، ضروری است. این امر به‌ویژه در مدیریت بحران‌هایی که نیازمند واکنش سریع و تصمیم‌گیری‌های پیچیده هستند، کارآمدتر است. آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی پویا از طریق ایجاد واحدهای تخصصی برای رصد روندها، شناسایی ریسک‌های بالقوه و تدوین برنامه‌های عملیاتی انعطاف‌پذیر، از الزامات این لایه است.

کلان‌شهر تهران با چالش‌هایی چون تمرکز جمعیتی و زیرساختی، فرسودگی بافت شهری، وابستگی به شبکه‌های متمرکز و پیچیدگی‌های حکمرانی مواجه است. برای مواجهه با این چالش‌ها، تهران نیازمند تدوین «برنامه جامع پادشکنندگی تهران» است که فراتر از طرح‌های مدیریت بحران فعلی، بر ایجاد انعطاف‌پذیری، سازگاری و توانایی بهره‌برداری از بحران‌ها تمرکز کند. اجرای پروژه‌های پایلوت غیرمتمرکز در مقیاس محله، تقویت سازمان‌های محلی و مردمی، بازنگری در طرح‌های توسعه شهری با اولویت مقاوم‌سازی و رعایت اصول پدافند غیرعامل، ایجاد مرکز هوشمند مدیریت بحران با استفاده از فناوری‌های نوین و برگزاری دوره‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی عمومی، از جمله راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای تاب‌آوری تهران است. در نهایت، آینده شهرها در گرو توانایی آنها در مواجهه با بحران و جنگ است و تهران با اتخاذ رویکردی جامع و چندلایه که بر پادشکنندگی، زیرساخت اجتماعی و حکمرانی شبکه‌ای تأکید دارد، می‌تواند خود را به شهری امن‌تر، پایدارتر و آماده برای مواجهه با نامعلومی‌های آینده تبدیل کند. این تحول، نیازمند اراده سیاسی، مشارکت همگانی و سرمایه‌گذاری هوشمندانه در زیرساخت‌های فیزیکی، انسانی و مدیریتی است تا تهران در مسیر تبدیل‌شدن به یک شهر پادشکننده گام بردارد.

خبر

امتحانات پایان‌ترم قطعا «حضوری» است

ایسنا: رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از افزایش یک ماهه طول ترم دانشجویان رشته‌های پزشکی خبر داد و گفت: «امتحانات پایان ترم دانشجویان نیز قطعا به صورت «حضوری» برگزار می‌شود». علیرضا استقامتی درباره آخرین وضعیت آموزش دانشجویان رشته‌های پزشکی و برنامه دانشگاه علوم پزشکی تهران تا پایان ترم، تأکید کرد: «سیاست کلی وزارت بهداشت، دانشگاه و دانشکده این است که کلاس‌های تئوری و نظری دانشجویان به‌صورت مجازی برگزار شود و دانشجویان علوم پایه آموزش‌های خود را از طریق بستر فضای مجازی دریافت می‌کنند». او افزود: «دانشجویانی که در بخش‌های بالینی حضور دارند و از آنها با عنوان «استیجر» یاد می‌شود، از ابتدای اردیبهشت‌ماه در بخش‌ها حضور پیدا کرده‌اند و آموزش‌های بالینی آنها به‌صورت روتین در حال اجراست». رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران با اشاره به چالش‌های موجود در حوزه برگزاری آزمون‌ها گفت: «به دلیل اتفاقات دی‌ماه، بسیاری از آزمون‌ها در زمان مقرر برگزار نشد و برخی دانشجویان نیز در امتحانات شرکت نکردند؛ به همین دلیل بخشی از آزمون‌ها به بهمن و اسفندماه منتقل شد که آنها نیز به دلیل شرایط جنگی برگزار نشدند. اکنون یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما برگزاری آزمون‌های پایان‌ترم و امتحانات معوق است». استقامتی ادامه داد: «در دوران جنگ در مقاطع کارورزی، دستیاری و فوق‌تخصصی مشکلی در برگزاری کلاس‌ها وجود نداشت و آموزش‌ها برقرار بود، اما در بخش کارآموزی با وقفه مواجه شدیم که از ابتدای اردیبهشت آموزش‌های بالینی آن نیز از سر گرفته شد».

روایت میدانی «شرق» از آتش‌سوزی «مجتمع ارغوان اندیشه شهریار» که جان ۱۱ نفر را گرفت

سوختن در ۱۵ دقیقه؛ همه چیز در آتش ماند

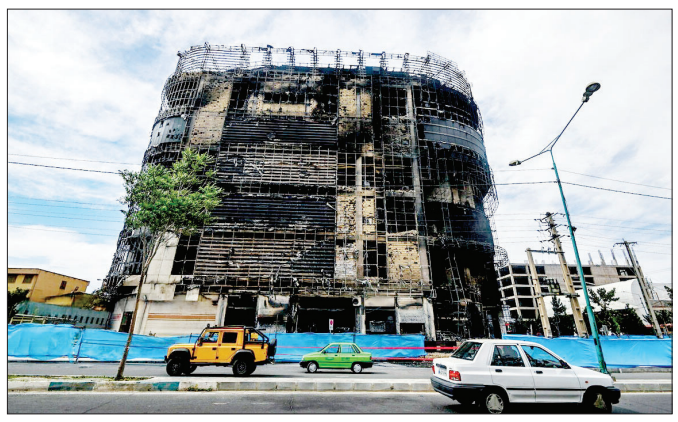

محمدحسین موسوی: زنی می‌گوید: «دخترش در ساختمان مانده» و با دست به زنی با مانتو و روسری مشکی که روی صندلی روبه‌روی مجتمع ارغوان اندیشه شهریار نشسته، اشاره می‌کند؛ زن نای حرف‌زدن ندارد، دو زن اطرافش ایستاده‌اند؛ دیگر دخترش و زن همسایه. لیوان‌های آب که به سمتش دراز می‌شود، پس می‌زند و بی‌تاب به ساختمان مربعی بزرگ و سوخته‌ای نگاه می‌کند که تا پیش از آتش‌سوزی ۱۵ اردیبهشت، پاساژی پررفت‌وآمد بود. چشم‌انتظار «بهار» است؛ بهار، منشی باشگاه را آخرین بار وقتی دیده‌اند که دود از تراس خارج می‌شد. او در تلاش بود تا همه را از باشگاه خارج کند و کرکره‌ها را ببندند. دختری جوان با لباس‌های ورزشی طوسی او را دیده که همه را از باشگاه خارج می‌کرد: «ساعت ۴:۳۰ عصر در باشگاه تمرین می‌کردم که متوجه دودی غلیظ در تراس شدم. به مدیریت باشگاه گفتم و او تا دود را دید، دستور تخلیه داد». روبه‌روی باشگاه که در طبقات بالایی پاساژ قرار داشت، یک کلینیک و یک مرکز خدمات ناخن بود، دختر طوسی‌پوش می‌گوید همه افراد داخل آن واحدها نیز خارج شدند تا با هم به سمت پله اضطراری بروند، همه جز منشی باشگاه ورزشی: «من به او گفتم کپسول آتش‌نشانی بدهد تا آتش را خاموش کنیم، ولی فقط گفت برو، موقع رفتن نیز دیدم که او ایستاده بود تا همه خارج شوند و کرکره را پایین بکشد، وقتی خواستم کمکش کنم، باز هم به من اجازه نداد و فقط گفت که سریع از ساختمان خارج شوم». دختر همراه سایر افرادی که در آن طبقه بودند، خود را به پله اضطراری رساندند تا خارج شوند: «هر ثانیه که می‌ماندیم، هوا بدتر می‌شد و در دهانم یک مزه تلخی حس می‌کردم. هر طبقه را که پایین می‌رفتم، مجبور می‌شدم بایستم و نفس حبس کنم تا بتوانم از طبقه بعد بگذرم». در میان آتش و دود، او دیگر منشی باشگاه را ندید، منشی که حالا مادرش روبه‌روی پاساژ ایستاده تا باقی‌مانده‌هایی از تن سوخته‌اش را پیدا کند. نام «بهار مهدی‌پور» دو روز بعد از آتش‌سوزی در میان جان‌باختگان «ارغوان» دیده شد. درست کنار اسامی دیگر جان‌باختگان. به گفته فرماندار شهریار، ۱۱ نفر در این آتش‌سوزی جان باختند اما اسامی هشت نفرشان منتشر شده است: «زهرا فرهمند»، «مجتبی باطنی»، «سروش باطنی»، «جلیل محمدمیرزا»، «فردین نیکوفر»، «بهار مهدی‌پور»، «گلنوش بهارلو» و «شکوفه حسنوند». بعد از آتش‌سوزی، مهدی محمدی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان شهریار، دستور بررسی دقیق حادثه را داد: «اقدامات لازم برای شناسایی مقصران احتمالی این حادثه و دستگیری آنان به‌سرعت در دستور کار مراجع ذی‌ربط قرار گرفت». آخرین خبر را هم دادستانی اعلام کرد: سازنده ساختمان بازداشت شد. این گزارش روایت میدانی خبرنگار «شرق» پس از گذشت ۲۴ ساعت از وقوع آتش‌سوزی مجتمع ارغوان اندیشه شهریار است.

باد؛ و ساختمانی که می‌لرزد

خاک که از بخش جنوبی بلند می‌شود، همه آنها که نزدیک ساختمان‌اند، به سمت بازار روز یا پیاده‌راه‌های دورتر فرار می‌کنند. باد شدید می‌وزد، بخشی از ساختمان می‌ریزد و پیکر سوخته «ارغوان اندیشه» به لرزه درمی‌آید. یکی از آتش‌نشانان خود را به بلندگوی ماشین‌شان می‌رساند: «شهروندان و صاحبان مغازه‌ها لطفا از ساختمان دور شوید، احتمال ریزش وجود دارد». هیاهویی در بین مردم شکل می‌گیرد، عده‌ای دست مادر، فرزند، برادر، خواهر یا دوست خود را می‌گیرند و از ساختمان دور می‌کنند، چند گوشه سروصداهایی بلند می‌شود و افرادی برای فرار با هم درگیر می‌شوند.

دراین‌میان چند نفر از کاسبان مغازه‌ها به سمت ساختمان هجوم می‌برند تا بتوانند حتی با زور وارد پاساژ شوند و باقی‌مانده‌های وسایل‌شان را جمع کنند، امدادگران و آتش‌نشانان جلوی آنها را می‌گیرند، وضعیت نامطمئن ساختمان اجازه نمی‌دهد کسی وارد شود، دوباره صدای بلندگو بالا می‌رود: «شهروندان عزیز لطف کنید از ساختمان دور شوید. دو خودرو در پارکینگ باقی مانده، تنها صاحبان این دو خودرو برای برداشتن خودروی‌شان به مسئولان آتش‌نشانی مراجعه کنند». دوباره باد شروع به وزیدن می‌کند، غول بزرگ سوخته‌ای که تا روز سه‌شنبه یک پاساژ معروف بود، غرش می‌کند، این‌بار عده بیشتری به درون بازار روز پناه می‌برند، در این رفت‌وآمدها، نوارهای زرد و قرمز آتش‌نشانی که دورتادور خیابان و اطراف ساختمان را گرفته، پاره می‌شوند. اما هیچ‌کس دوباره نوارها را نمی‌بندد.

خاکستر یک ساختمان سوخته بزرگ

از همان سر بلوار «گل‌های شرقی» شهر شهریار، ساختمان سوخته بزرگ نمایان است و هنوز از آن دود بلند می‌شود. شکل مربع ساختمان که بعدازظهر روز چهارشنبه، یعنی ۲۴ ساعت بعد از شروع آتش، نما و دیواره‌هایش سوخته‌اند، بیشتر نمایان است. در بلوار که «مجتمع ارغوان اندیشه» قرار گرفته، انبوهی آتش‌نشان و امدادگر در میان خودروهای آتش‌نشانی و چادرهای هلال‌احمر در حال رفتن به داخل ساختمان سوخته و صحبت با جمعیتی هستند که آن سمت بلوار، در پیاده‌راه «بازار روز ارغوان» جمع شده‌اند. آنها مال‌باختگان ارغوان‌اند که با چشمان گرد و مبهوت به آنچه سال‌ها جمع کرده‌اند و در چند دقیقه از بین رفت، نگاه می‌کنند. از آسمان دانه‌های سفید مثل برف بر سرشان می‌بارد؛ دانه‌هایی که بقایای سوختن است. یکی از آتش‌نشانان می‌گوید که این دانه‌های سفید، خاکستر نمای کامپوزیتی ساختمان است. او با دست شرق تا غرب ساختمان را نشان می‌دهد: «کل نما کامپوزیت بود، به‌همین‌دلیل وقتی یک واحد در بین وزش باد، آتش گرفت، به‌سرعت آتش به کل ساختمان سرایت کرد و سوخت». یک خودرو از واحد سگ‌های زنده‌یاب آتش‌نشانی نیز در خیابان متوقف شده و یکی از امدادگران می‌گوید که ۱۱ نفر در ساختمان گرفتار شده‌اند. اما آنها که آنجا به انتظار ایستاده بودند، تأکید می‌کردند پنج نفر در ساختمان مانده‌اند. کسی اطلاع دقیقی نداشت که گرفتاران، چه کسانی هستند. روبه‌روی بازار روز تبدیل به استراحتگاه آتش‌نشانان شده، مغازه‌های اطراف هرچه آب معدنی داشته‌اند، فروخته‌اند. داخل بازار روز، اما زندگی عادی جریان دارد، فروشنده‌ها مشغول چیدن کنسروها هستند و مرد مغازه ساندویچی، فلافل‌ها را داخل نان می‌گذارد. کمی آن‌طرف‌تر جوانی که در حال پاک‌کردن مرغ است، می‌گوید: «دیروز ما نبودیم، ولی صاحب‌کارم می‌گفت که نزدیک‌های ساعت پنج بعدازظهر بوی تندی احساس کرده و وقتی بیرون آمده، ساختمان را دیده که در آتش می‌سوخت». در گوشه‌ای از سایه‌بان بازار روز، زنی ایستاده. وقتی ساختمان آتش گرفته، او داخل پاساژ بود، او یکی از مغازه‌داران است: «در طبقه اول این ساختمان، مغازه دارم و آن زمان در بخش اداری بودم که ناگهان بدون آژیر خطر همه‌جا پر از دود شد». او زیورآلات می‌فروخت و خانه‌اش هم در همان نزدیکی، فروشگاه لوازم آرایشی داشت: «نزدیک ۸۰۰ میلیون تومان لوازم من از بین رفت و چهار میلیارد اجناس خانه‌ام». مردی که پشت زن ایستاده، جلو می‌آید، او بلوز قهوه‌ای بر تن دارد و چهره آشفته‌اش نشان می‌دهد که مال‌باخته است: «از ۱۰ سالگی کار کردم تا توانستم این مغازه را بخرم. ۱۲ میلیارد تومان سرمایه‌ام از بین رفت». او از پوشه در دستش کاغذی بیرون می‌آورد: «قبل از جنگ مغازه‌ام را بیمه جنگ کردم که مثلا از سرمایه‌ام محافظت کند، اما حالا آتش‌سوزی همه زندگی‌ام را سوزانده است». هنوز جمله‌اش تمام نشده که سروصدایی بلند می‌شود. چند زن و مرد می‌خواهند وارد پاساژ شوند، اما امدادگران و آتش‌نشانان آنها را دور می‌کنند. یکی از آتش‌نشانان می‌گوید: «آهن‌های کج‌شده را ببینید، هر لحظه ممکن است ساختمان فرو بریزد». دو زن در کنار امدادگران هلال‌احمر، گریه می‌کنند. مردی با ریش و موهای طلایی شاهد این صحنه است، او نیز در زمان آتش‌سوزی در پاساژ بود: «دیروز از سمت گل‌فروشی، آتش شروع شد. از بخت بد باد شدیدی می‌وزید. آتش با وزش باد به بخش‌های دیگر ساختمان سرایت کرد و به دلیل اینکه نمای ساختمان پلاستیکی است، همه چیز خیلی زود سوخت». او در این هنگام در طبقه همکف بود و تلاش کرد دوستانش را از ساختمان خارج کند: «من یک به یک دوستانم را بیرون آوردم و با یکی از آنها که ماشینش در پارکینگ بود، به پارکینگ رفتم، در آنجا نیز مصیبتی داشتیم، چند ماشین تصادف کرده بودند و مسیر خروجی قفل شده بود». او که خود از مشتریان بخش مردانه باشگاه است، می‌گوید شنیده است منشی باشگاه در ساختمان گیر کرده: «آن بنده خدا آسم داشت و احتمالا دود شدیدی که در هوا بود، باعث شده نتواند فرار کند».

بیمه پولی نمی‌دهد، می‌گوید نما کامپوزیت بود!

«تا نیم ساعت قبل از حادثه در پاساژ بودم، بعد به سمت ماهدشت راه افتادم که در بین راه همسرم زنگ زد و گفت ساختمان آتش گرفته است». مرد نزدیک به چادر هلال‌احمر با چند نفر ایستاده، چشمان به گود نشسته‌اش نشان می‌دهد دیروز تا صبح بیدار بوده: «درباره آتش‌سوزی دو روایت وجود دارد؛ روایت اول این است که جعبه رنگ گل‌فروشی طبقه همکف بیرون مغازه بوده و احتمالا یک ته‌سیگار در جعبه افتاده و آتش شروع شده است. یک روایت نیز براساس اتفاقی است که دو سال پیش در ضلع شمال غربی مجتمع افتاد، در آن زمان اتصالی کابل برق در طبقه ششم باعث آتش‌سوزی در کامپوزیت نما شد که با تلاش چند نفر از کاسبان کنترل شد، الان نیز می‌گویند شاید دوباره همان اتفاق افتاده است». به گفته او، در پاساژ هیچ امکاناتی برای کنترل آتش وجود نداشت: «شدت آتش آن‌قدر زیاد بود که کاری از دست کاسبان برنمی‌آمد، هیچ آژیر و آب‌پاشی نیز وجود نداشت. آتش‌نشانی به‌موقع رسید اما نمی‌دانم به چه علت امکانات کافی نداشت تا آتش را قبل از سوختن کامل پاساژ خاموش کنند». یک نفر به مرد بطری آبی می‌دهد، او جرعه‌ای می‌نوشد: «هیئت‌مدیره متأسفانه کم‌کاری کرده است. در کل مجتمع اگر کپسولی بود، خود کاسبان خریده بودند. آژیر خطر یا سیستم اطفای حریق مجتمع نیز کار نکرد. این در وضعیتی است که سه سال پیش مجتمع برای این موضوع، اخطار گرفته بود اما معلوم نیست پول‌های شارژ خرج چه چیزی شده است و به نظر می‌رسد اصلا به اخطار داده‌شده توجهی نکرده‌اند». این مرد در «مجتمع ارغوان اندیشه» همراه چند شریک دیگر، یک مغازه فروش وسایل تولد، یک مغازه قصابی و یک مغازه دیگر بودند، حالا تمام سرمایه‌اش از بین رفته است: «همه وسایل‌مان سوخته و چیز قابل استفاده‌ای نداریم. نزدیک به ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومان اجناس ما نابود شد. مغازه‌ای هم که دست مستأجر داشتیم، همه وسایلش سوخته است». در همان پیاده‌راه، مرد دیگری در حال نشان‌دادن اسناد خود به یکی از مأموران شهرداری است. او به‌تازگی مغازه شیرینی‌فروشی در طبقه همکف افتتاح کرده بود: «همه چیز مغازه‌ام سوخته، حتی آهن‌ها آب شده است». مرد کاغذهای بیمه‌اش را نشان می‌دهد، کاغذهایی که گویی قرار نیست به او کمکی کنند: «بیمه گفته چون نما کامپوزیت بود و به‌همین‌دلیل هم کل ساختمان آتش گرفته، پولی به ما تعلق نمی‌گیرد. خب، این را چرا از اول نگفتند؟ چرا این‌همه مدت از ما حق بیمه گرفتند و حالا می‌گویند که قانون چنین چیزی است».

سوختن در ۱۵ دقیقه

در کوچه کناری «مجتمع ارغوان اندیشه» صحنه‌ای آخرالزمانی جریان دارد؛ تنها دو نفر در کوچه در حال گشت‌زدن هستند و باقی کوچه در اختیار واحدهای تجاری است که آتش حتی کرکره فلزی آنها را آب کرده. باد که می‌وزد، تکه سنگ و آجر از هوا به زمین می‌افتد، کمانه می‌کند و به شیشه‌های سالم‌مانده پاساژ کوچکی که کنار پاساژ سوخته قرار گرفته است، برخورد می‌کند. مغازه‌های پاساژ کوچک به همان شدت سوخته‌اند که مغازه‌های «مجتمع ارغوان اندیشه». مغازه‌های پشتی پاساژ کوچک برخلاف مغازه‌های قرارگرفته در مجاورت پاساژ سالم‌اند، یکی از این واحدهای سالم، مغازه لوازم‌التحریر فروشی است: «درگیر کار بودم که شنیدم صدای چند انفجار پشت سر هم می‌آید. از مغازه خارج شدم و رفتم در خیابان و دیدم ناگهان در طبقه آخر «ارغوان اندیشه» یک انفجار اتفاق افتاد و تمام شیشه‌ها و نمای پلاستیکی پایین ریخت». او ۱۵ سال است همراه با پدرش در این مغازه کاسبی می‌کنند و «مجتمع ارغوان اندیشه» را یکی از معروف‌ترین پاساژهای شهریار می‌دانند: «پاساژ سه طبقه تجاری و چند طبقه اداری داشت. دیروز آتش در عرض یک ربع از واحدهای تجاری همکف خود را به کل مجتمع کشاند و همه ساختمان را سوزاند». خارج از مغازه او ناگهان صدای چند موتور می‌آید، در کوچه پشتی پاساژ سوخته چند نفر در حال خارج‌کردن وسایل باقی‌مانده خود هستند، یکی از پلیس‌ها از روی موتور فریاد می‌زند: «بیایید عقب، ممکن است ساختمان بریزد».

خبرخوان

فعالیت داوطلبانه ۲ هزار روان‌شناس به جنگ‌زده‌ها

رئیس جمعیت هلال‌احمر گفت: «بیش از دو هزار متخصص روان‌شناسی به صورت داوطلبانه برای ارائه خدمات مشاوره‌ای تلفنی به مردم آسیب دیده از جنگ فعال بودند». پیرحسین کولیوند در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران ضمن گرامیداشت سالروز تشکیل جمعیت هلال‌احمر، افزود: «با آسیب‌شناسی و و رصد دقیق مشکلات در جنگ تحمیلی ۱۲روزه، موفق شدیم تعداد نیروهای عملیاتی و امدادی جمعیت را از ۷۰ هزار به ۱۱۰ هزار نفر افزایش داده و با تقویت تیم های واکنش سریع و هوشمندسازی اقدامات، زمان حضور در محل حادثه را به کمتر از چهار دقیقه کاهش دهیم». او افزود: «۱۴۰ هزارو ۵۲۸ مکان غیرنظامی در حملات دشمن متجاوز ۱۵ تا ۲۰ درصد آسیب دید، ۱۲۳ هزارو ۶۴۷ مکان مسکونی بود و ۱۴ هزار خانه فقط در تهران تخریب شد یا آسیب دید، به‌علاوه ۲۴ هزار مرکز تجاری تخریب شد یا آسیب دید، ۳۵۰ مرکز درمانی شامل داروخانه و بیمارستان و مراکز بهداشتی و درمانی آسیب دید، همچنین ۳۲ دانشگاه، نزدیک به ۹۹۳ مرکز آموزشی و مدرسه که در رأس آن مدرسه شجره طیبه میناب بود نیز مورد هدف و حمله قرار گرفت». او به فعالیت سامانه ۴۰۳۰ اشاره کرد و گفت: «بیش از دو هزار متخصص روان‌شناسی به صورت داوطلبانه برای ارائه خدمات مشاوره‌ای تلفنی به مردم آسیب‌دیده از جنگ فعال بودند. این مشاوره برای افزایش تاب‌آوری مردم در ایام جنگ طراحی و اجرا شد که در مجموع ۲۰۵ هزار تماس از چند دقیقه تا یک‌ساعته در این سامانه ثبت و ۱۶ هزار ساعت مشاوره به مردم در روزهای جنگ ارائه شد».

تکذیب کاهش پرداختی مقرری «بیمه بیکاری»

ایسنا: شایعه کاهش پرداخت بیمه بیکاری به کمتر از ۵۵ درصد در برخی شعب، در حالی مطرح شده که به گفته مدیرکل اسبق امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی، قانون، تکلیف نحوه محاسبه مقرری را روشن کرده و حتی در تفاهم‌نامه اخیر میان وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی نیز بر اجرای همان فرمول قانونی تأکید شده است. ناهید حیدری با استناد به ماده ۷ قانون بیمه بیکاری توضیح داد: «مطابق تبصره یک بند ج ماده ۷ قانون بیمه بیکاری، «متوسط مزد یا حقوق روزانه بیمه‌شده بیکار به منظور محاسبه مقرری بیمه بیکاری عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه‌شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت‌شده در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیکاری تقسیم بر روزهای کار، و در مورد بیمه‌شدگانی که کارمزد دریافت می‌کنند آخرین مزد عبارت است از جمع کل دریافتی بیمه‌شده که به مأخذ آن حق بیمه دریافت‌شده در آخرین ۹۰ روز قبل از شروع بیکاری تقسیم بر ۹۰ و درصورتی که بیمه‌شده کارمزد، ظرف سه ماه مذکور مدتی از غرامت دستمزد استفاده کرده باشد، متوسط مزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرارگرفته به منزله دستمزد ایام بیکاری تلقی می‌شود و در محاسبه منظور خواهد شد». او افزود: «بر این اساس، قانون به‌صراحت تکلیف نحوه محاسبه مقرری را مشخص کرده و هیچ‌گونه ابهامی در این زمینه وجود ندارد. حتی در تفاهم‌نامه‌ای که اخیرا میان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی منعقد شده، مجددا تأکید شده محاسبات دقیقا بر اساس مفاد قانون انجام می‌شود. بنابراین، موضوع پرداخت زیر ۵۵ درصد صرفا یک شایعه است».

برگ سبز سواری رانا مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید
شماره موتور 167BO151461
شماره شاسی NAAUO1FE3NT362297
شماره پلاک ۲۲ ن ۵۹۳-۴۰ بنام ساناز صادقی
مفقود گردیده وفاقد اعتبار میباشد

مخاطب محترم آقای سجاد بیطرفان
به اطلاع می رساند:همسر شما خانم محبوبه میرزاده جهت اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۴۲۱۳۹۰۰۰۸۲۵۷۷۹۲ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ صادره شعبه اول دادگاه خانواده سیرجان به این دفتر مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نمودند. تلاش اینجانب جهت انصراف نامبرده از طلاق موثر واقع نشد لذا در اجرای قانون حمایت از خانواده به شما اخطار می گردد ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ این اخطاریه جهت اجرای دادنامه به دفترخانه مراجعه نمایید و یا در صورت وجود مانع شرعی یا قانونی مراتب را کتبا اعلام نمایید. در غیر این صورت برابر مقررات و ضوابط شرعی و قانونی نسبت به اجرای دادنامه اقدام می گردد.
دفتر ثبت ازدواج ۱۷۳ و طلاق ۳۶ سیرجان
سردفتر: دکتر حمدالله شهریاری پور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر آراء شماره ۱۴۰۰۱۳۱۱ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۶۰۱۴۰۰۱۳۱۳ و ۱۴۰۰۱۳۱۵ و ۱۴۰۰۱۳۱۷ و ۱۴۰۰۱۳۰۹ و ۱۴۰۰۱۳۰۷ و ۱۴۰۰۱۳۱۹هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه دو تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای موسی مرادی فرزند اکبرخان به شماره ملی ۳۲۵۴۳۹۲۹۳۰ درششدانگ ۷ قطعه زمین مزروعی به مساحت های ۶۳۵۳,۳۶ و ۲۲۶۶۹,۵۰ و ۲۲۶۷,۳۵ و ۴۵۱۷,۴۳ و ۲۳۲۷۱,۹۷ و ۴۵۴,۲۱ و ۷۰۴,۹۹ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۲۷ اصلی واقع در قریه کوره خسروی بخش دو حومه با ارائه سند مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۶۶۱ م الف/ ۱۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۳/۰۳
شهریار خدری
رئیس ثبت اسناد و املاک۱۰۴۴

برگ سبز خودرو دنا سفید مدل ۱۴۰۵
به شماره پلاک: ۹۳ایران ۸۳۶ص۸۹
شماره شاسی: NAANW91HKATDN۹۰۹۳۰
و شماره موتور: ۱۴۷H۰۹۴۹۱۴۷
به نام زهرا جعفری اردکی با کد ملی ۴۳۱۱۲۲۲۱۵۷
در تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR